

بسم الله الرحمن الرحيم

نویسنده: سیدنورالدین خرمشاهی

نقاشی: مصطفی گودرزی

نام کتاب: پاداش زهرا

نویسنده: سیدنورالدین خرمشاهی

نقاشی: مصطفی گودرزی

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: اول تابستان 76

تیراژ: 10000 جلد

چاپ صحافی: چاپ سجاد

قیمت: 1500 ریال

مرکز پخش: تهران - صندوق پستی 355/15655

ISBN شابک 964-6268-01-3 469-8626-10-3

تقدیم به آنها که دوست دارند از صمیم دل با خدای مهربان گفتگو کنند و شکرگزار نعمتهای او باشند
با آرزوی اینکه ثواب این کتاب به روح پاک مهربانترین پدر همه بچه های نماز خوان، حضرت امام خمینی (ره)
برسد
نویسنده

يك روز عصر كه پدرم از سر كارش برگشته بود، با خوشحالی به طرف او دویدم، دستش را گرفتم و گفتم
پدر، من دیگر نماز خواندن را با كمك مامان یادگرفتم
پدرم در حالی كه كتش را به چوب لباسی آویزان می‌کرد با مهربانی به من گفت
خیلی خوبه دختر گلم؛ اگر وضوداری برو سجاده مامان و چادر نماز خودت را بیاور و برای بابا يك نماز سه
ركعتی بخوان تا ببینم چقدر از نمازت را یاد گرفته ای؟
گفتم: چشم پدر! بعد با عجله رفتم، چادر و سجاده را آوردم

چادرم را سر کردم و روی سجاده رو به قبله ایستادم
آن وقت توی دلم همان طور که مادر یادم داده بود،
اول نیت کردم و گفتم: «سه رکعت نماز مغرب به جا می‌آورم
«فَرَبَّةَ إِلَى اللَّهِ»

«بعد دست‌هایم را تا کنار گوش‌هایم بالا بردم و گفتم: «اللَّهُ أَكْبَرُ
وقتی که دست‌هایم را پایین آوردم،

شروع کردم به خواندن سوره حمد و سوره توحید
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَالضَّالِّينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

حمد و سوره را که خواندم،

ختم شدم و دستانم را روی زانوهایم گذاشتم و گفتم
«سُبْحَانَ اللَّهِ - سُبْحَانَ اللَّهِ - سُبْحَانَ اللَّهِ»
مادرم یادم داده بود که اسم این کار، رکوع است.

دیشب هم که با مادر و مادر بزرگم به مسجد

رفتیم و نماز جماعت خواندیم همه با هم به رکوع می‌رفتیم

مادر می‌گفت: بهتر است انسان نمازش را در مسجد و با جماعت بخواند چون ثوابش خیلی بیشتر است.

از رکوع که بلند شدم، کمی ایستادم

و سپس آرام زانوهایم را بر زمین،

و پیشانی‌م را روی مهر گذاشتم، در همان موقع، سعی می‌کردم

فقط نوک انگشتان پاهایم روی زمین باشد.

بعد گفتم

«سُبْحَانَ اللَّهِ - سُبْحَانَ اللَّهِ - سُبْحَانَ اللَّهِ»

بسر را از سجده برداشتم و دوباره همان کار را تکرار کردم

پدرم گفته بود: هر کس در برابر خدا سجده کند، شیطان دیگر نمی‌تواند او را گول بزند.

مثل اینکه تا اینجا نماز را درست خوانده
بودم، چون پدرم چیزی نمی‌گفت
وقتی که سر از سجده دوم برداشتم،
بلند شدم تا در رکعت دوم دوباره سوره
حمد و سوره توحید را بخوانم
پس از اینکه حمد و سوره را خواندم دست‌هایم
را به طرف آسمان گرفتم و این دعا را خواندم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»
پدرم گفته بود: در قنوت می‌توانی علاوه بر این دعا،
هر دعایی که خواستی بخوانی

بعد از قنوت مثل رکعت اول، به رکوع و سجده رفتم
پس از سجده، نشستم و تشهد خواندم
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
رکعت دوم تمام شده بود بلند شدم تا رکعت سوم را بخوانم

همه‌اش زیر چشمی به پدرم نگاه می‌کردم
که نکند غلط خوانده باشم، ولی پدرم همان‌طور که
نشسته بود و لبخند می‌زد، سرش را تکان می‌داد و من می‌فهمیدم
که تاحالا درست خوانده‌ام
در رکعت سوم بجای حمد و سوره، سه مرتبه گفتم
«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»
پدرم گفته بود: اسم این کلمات، تسبیحات اربعه است

پس از اینکه تسبیحات اربعه را خواندم،
مثل رکعت قبل، رکوع و دو سجده را به جا آوردم و نشستم،
:اول تشهد را خواندم و بعد سلام نماز را دادم
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

:آخر نماز هم سه مرتبه گفتم
«اللَّهُ أَكْبَرُ - اللَّهُ أَكْبَرُ - اللَّهُ أَكْبَرُ»

نماز تمام شده بود
:چادر را که روی چشم افتاده بود کنار زدم و گفتم
بابا درست خواندم؟
اما پدرم نبود! خواستم بلند شوم که دیدم
پدر و مادرم با چهره های خندان ایستاده اند
و با خوشحالی مرا نگاه می کنند
مادرم بسته بزرگ قشنگی را از زیر چادرش بیرون آورد
و به پدرم داد و گفت: این هم جایزه دخترم زهرا
!که نمازش را خیلی خوب یاد گرفته است
!پدرم بسته را گرفت و گفت: آفرین دخترم
ماشاءالله همه نمازت را درست خواندی،
این هم جایزه ات
کادو را باز کردم، اگر گفتید توی آن چه بود؟
يك سجاده خیلی قشنگ! يك جعبه آبرنگ و يك عروسك زيبا